

## گرایش به غرب، نقش رسانه‌های ارتباطی و پدیده جامعه اطلاعاتی

نوشته دکتر علی محمدی

در این مقاله، فرایند گرایش به غرب به اختصار بررسی می‌شود و نقش رسانه‌های ارتباطی در این فرایند مورد بازبینی قرار می‌گیرد. شکل‌گیری پدیده جدید جامعه اطلاعاتی در دو دهه پایانی قرن بیستم نیز از دیگر موضوعاتی است که این مقاله بدان می‌پردازد.

۱. چگونگی پیدایش غرب: به‌طور کلی اصطلاح «غرب» به کشورهای اطلاق می‌شود که در غرب قاره اروپا قرار دارند. این کشورها به علت شرایط سخت اقلیمی و محدودیت منابع طبیعی برای حل معضلات زندگی و سختی معیشت مجبور شدند راهکارهای علمی و منطقی برای سلطه بر قهر طبیعت بیابند. بدین منظور این مجموعه کشورها از قرن پانزدهم به بعد با کاربرد تفکر علمی و تبادلات فکری در حوزه سرزمینهای مستقر در غرب اروپا، موفق شدند «صنعت» را پدید آورند. هدفمندی اصلی صنعت سلطه بر قهر طبیعت و مهار آن برای بهبود وضع زندگی انسانها بود. پیشرفتهای صنعتی در قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به «انقلاب صنعتی» منجر شد. این سرزمینها طی قرون گذشته با تغییر نام و محدوده جغرافیایی اکنون به نام کشورهای زیرشناخته می‌شوند: اتریش، آلمان، بلژیک، ایتالیا، فرانسه، کشورهای اسکاندیناوی، هلند و انگلستان البته باید توجه داشت که این سرزمینها بنا بر شرایط اقلیمی خود، در فرایند صنعتی شدن هر کدام در رشته‌ای از صنایع مهارت بیشتری کسب کرده‌اند؛ برای مثال فرانسه در صنایع نظامی، انگلستان و هلند در صنایع کشتیرانی و آلمان در صنایع سنگین به شهرت یافته‌اند. امریکای شمالی هم که مستعمره چند کشور اروپایی بوده است و بیش از دو قرن از استقلال آن نمی‌گذرد، بعد از جنگ جهانی دوم در دنیای معاصر مطرح شد و امروز سرآمد کشورهای سرمایه‌داری جهان است.

اغلب این کشورها در فرایند پیشرفت صنعت و اختراعات و نوآوریها برای یافتن منابع طبیعی و مواد خام مورد نیاز صنایع خود به کشف سرزمینهای دور دست پرداختند. به همین دلیل به تدریج میان کشورهای اروپایی برای دست یافتن به مواد معدنی در قاره آفریقا، آسیا و آمریکا رقابت شدیدی به وجود آمد. بنابراین آنها ناگزیر شدند نیروی نظامی و جنگ افزارهای خود را تقویت کنند. انسان اروپایی برای سلطه بیشتر، با ابتکار خود پدیده جدیدی به وجود آورد به نام «استعمار» و «استثمار» در مقیاس وسیع. کشورهای صنعتی شده اروپایی برای رفاه بیشتر مردم کشورشان با قدرت نظامی، سرزمینهای قاره آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین را یکی پس از دیگری زیر یوغ استعمار در آوردند. البته باید متذکر شد که اکثر این کشورها دارای حکومتهای قبیله‌ای، ابتدایی یا فئودالی بودند و چون توان مقاومت در برابر نیروی نظامی اروپاییها را نداشتند، یکی پس از دیگری به استعمار کشورهای اروپای غربی در آمدند. کشورهای استعمارگر برای بقای حضور خود مجبور شدند زبان و فرهنگ کشورهای مستعمره را مطالعه کنند و برای نفوذ در فرهنگ و محیط مستعمرات با مصلحت اندیشی، شکافی در همبستگیهای قومی و محلی به وجود آورند. آنها از کاربرد رسانه‌های خود در جهت آمادگی ذهنی ملت‌های استعمار شده استفاده می‌کردند تا این که سلطه فیزیکی بر منابع طبیعی کشورهای مستعمره، به سلطه فرهنگی، تبدیل شد (Χολονιζατιον οφ Ιμαγινατιον). روی این اصل رسانه‌های ارتباطی غرب از دیر باز می‌کوشند رفتار کشورهای استعمارگر را تأیید کنند و از طرفی ناتوانی کشورهای مستعمره را در یافتن راه حل، ناشی از عدم دلسوزی و ناکارآمدی رهبران کشورهای جنوب می‌دانند. آنها کمتر به انتقاد از غرب می‌پردازند و با تأیید آنچه هست مسائل مختلفی را که ناشی از استعمار فرهنگی در کشورهای در حال توسعه است مورد توجه قرار نمی‌دهند. با توجه به چنین زمینه‌ای، بعد از جنگ دوم جهانی تحولات شگرفی در زمینه فناوری و صنعت به وجود آمده و بیشتر مستعمرات به تدریج مستقل شدند. در دو دهه پایانی قرن بیستم شاهد تحولات عظیم تاریخی بوده‌ایم که مهمترین آن فروپاشی نظام کمونیستی شوروی است. علاوه بر این پدیده دیگری به نام «جامعه اطلاعاتی» به ابتکار غرب در جهان پدیده آمده است که خود به تنهایی زمینه فرایند جهانی سازی شده است.

۲. پدیده جامعه اطلاعاتی: در دو دهه اخیر فناوری اطلاعات، ساختار جهان معاصر را دگرگون ساخته است. سرعت تحول به گونه‌ای است که جوامع در حال توسعه قادر به نظارت کامل بر ملت‌های خود نیستند. البته این پیشرفت سریع، حاصل اختلاط بین رایانه و فناوری ارتباطات از راه دور است که با اصطلاح جدید «جامعه اطلاعاتی» معروف شده است. این اختلاط را سرآغاز جامعه مبتنی بر فناوری اطلاعات می‌دانند که به طور قابل ملاحظه‌ای معادله عرضه و تقاضا را تغییر داده است. رشد سریع تقاضای رایانه موجب تحول در وضعیت توزیع یا انتقال پیام از یک نقطه به

نقطه دیگر شده است. شبکه تلفن که به‌طور معمول برای انتقال صدا بود، اکنون به شبکه انتقال داده‌ها، آمار و ارقام تبدیل شده است. به عبارتی ما در فرایند انقلاب جدیدی قرار داریم که روزه‌روز بر زندگی روزمره ما تأثیر می‌گذارد. گاهی خودمان متوجه نیستیم که انقلاب «میکرو الکترونیک» با ساختار «دیجیتال» خود و کاربرد  $\Sigma\iota\lambda\iota\chi\omicron\nu\nu\ \chi\eta\epsilon\alpha\pi$  زندگی ما را که با نظام «آنالوگ» هماهنگ بود، به‌سوی نظام دیجیتال سوق داد. یعنی منطق فناوری اطلاعات با همگرایی، زمینه‌ساز جامعه اطلاعاتی شد و به‌تدریج امکانات تحول و تغییر را در تمام زمینه‌های ارتباطی و اجتماعی فراهم ساخت. اکنون تصور می‌کنیم که این فرایند خارج از حوزه نظارت ماست در حالی که موجب پدیدار شدن راه‌های متفاوتی در جامعه بشری شده است که مهم‌ترین آن تحقق جامعه اطلاعاتی  $\text{I}\nu\phi\omicron\rho\rho\mu\alpha\tau\iota\omicron\nu\ \sigma\omicron\chi\iota\epsilon\tau\iota\psi$  است. اثرات اجتماعی پدیده جامعه اطلاعاتی را می‌توان به‌طور اجمال به سه گروه تقسیم کرد:

۱. اثرات اجتماعی فناوری اطلاعات موجب کاهش تصور خطرات انرژی هسته‌ای در جامعه می‌شود چون امروزه نزدیکی منافع تجاری با منافع نظامی برای فروش فناوری اطلاعات، به‌تدریج اهمیت و شدت بحران هسته‌ای را در جهان کاهش داده است. منابع تجاری در تولید بازیهای رایانه‌ای موجب نزدیکی تفکر نظامی و تجاری در جامعه اطلاعاتی شده است.
۲. در زمینه‌های نظری، اغلب فناوری اطلاعات موجب نادیده گرفتن نقش انسان در فرایند تکنولوژی می‌شود. یعنی جبر تکنولوژی تعیین‌کننده حیات اجتماعی است. انسان قرن نوزدهم هیچ وقت تصور نمی‌کرد که صنعت اتومبیل تا این حد در زندگی انسانهای قرن بیستم تأثیر گذارد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید زندگی بدون اتومبیل در قرن بیستم غیرقابل تصور است. اگر دقیق بررسی کنیم بدون انتخاب انسان، امکان توسعه اتومبیل در این حد امکان‌پذیر نمی‌شود. برای این که تکنولوژی اتومبیل خود به تنهایی نمی‌تواند موجب تغییر در نحوه زندگی انسان شود مگر با اختیار انسان. به بیان دقیق‌تر، فرایند تکنولوژی صنعت اتومبیل، بدون قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی تا این حد توسعه نمی‌یافت. بدون شک عامل «انسان» نقش بسیار مؤثری در این فرایند داشته است.
۳. نقش تکنولوژی در جامعه و همین‌طور نقش جامعه در شکل دادن تکنولوژی، در گشودن راهها و هدایت کردن توسعه تکنولوژی، عامل بسیار مهمی است. فرم فناوری اطلاعات در جامعه و توزیع آن، از قاعده فوق بیرون نیست. بنابراین توسعه فناوری اطلاعات با همه ابتکارات و ابداعات خود، تابع فرهنگ و شرایط حاکم بر جامعه است. مطالعات نشان داده است عوامل شکل‌دهی فناوری اطلاعات در جامعه تابع فاکتورهای زیر است:

۱. فاکتور نظامی؛ بدون شک جنگ جهانی دوم نقش مهمی در بالا بردن اهمیت و درک علم و تکنولوژی در جهان غرب داشته است. در جهان امروزی وابستگی زندگی به تکنولوژی یک

واقعیت عینی است. نوآوریهای علم و تکنولوژی مثلاً در زمینه رادار بی تأثیر در موقعیت برتری نیروی نظامی نبوده است. رهبران نظامی برای موفقیت در امور نیروهای مسلح مجبورند با دانشمندان مشورت و به نظرات آنان توجه کنند. پس جهان غرب پیشرفت خود را منوط به نوآوریهای علم و تکنولوژی می‌داند. در هنگام جنگ با استفاده از سیلیکان Silicon در به کار انداختن رادارها موجب نوآوری شگرفی در نظام ارتباطات از راه دور شده است. همین طور صنعت semi-conductor و توسعه سریع آن عامل مهم پیشرفت در آزمایشگاه الکساندر بل واقع در ایالت نیوجرسی امریکا شد. زیرا پژوهشهای بل (Bell) منتج به نیازهای ارتباطات در پیشرفت فنون و علوم ارتباطات شد. پژوهشگران آزمایشگاه بل می‌کوشیدند تقاضاها و نیازهای ارتباطات و کاربرد semi-conductor را در بازار بیابند.

توسعه ترانزیستورها و پس از آن رایانه بی‌نهایت در صنعت دفاع نظامی مؤثر بود و بسیاری از این گونه تکنولوژیها تا سالهای اخیر محرمانه تلقی می‌شد. از آنجا که غرب پیوسته در رقابت با فنون نظامی شوروی سابق بود و اغلب این نوآوریها مقدمه‌ای برای همگرایی بین رایانه و ارتباطات از راه دور بود، تا به حال تجربه امریکا در دنیا بهترین نمونه توسعه میکرو الکترونیک در نیروهای مسلح امریکا بوده است که منجر به پدید آمدن صنعت فناوری اطلاعات شد.

باید توجه داشت که روش فناوری اطلاعات در روابط بین‌الملل و همین‌طور وارد کردن کشورهای اروپای غربی به توسعه تکنولوژی اطلاعات در رابطه با قدرت نظامی تأثیر مستقیم داشت. با یک نگاه گذرا به جنگ جهانی دوم، درمی‌یابیم که در دوران جنگ یک رابطه مستقیم بین سامانه رادار و میکرو الکترونیک وجود داشت. شوروی سابق در سال ۱۹۴۹ یک مرتبه جهان غرب را متوجه خود کرد چون موفق به آزمایش اولین بمب اتمی خود شد. امریکاییها به وحشت افتادند و کوشیدند با شوروی سابق رقابت کنند. جنگ سرد آغاز شد و رقابتهای شدید تسلیحاتی سرعت گرفت و برتری قدرت نظامی بیشترین بودجه سالانه امریکا و شوروی را به پژوهش در زمینه (R&D) توسعه و تحقیق اختصاص داد. پس از آن سازمان پژوهشهای فضایی امریکا موسوم به ناسا (NASA) و پژوهش جنگ ستارگان به وجود آمد و کم‌کم زمینه‌ای فراهم آورد که بخش تجارت هم وارد این رقابت نظامی شد. اکنون ضروری است که بدانیم عامل تجارت چه نقشی در توسعه فناوری اطلاعات دارد.

با پیوند میان رایانه و ارتباطات از راه دور و همزمان اختراع میکروچیپ به وسیله شخصی به نام (Clive-Sinclair) سینکلر در انگلیس و توسعه رایانه معروف سیب Apple Computer توسط (Steven-Wozmak) و توسعه استفاده سریع تجارتي از فناوری اطلاعات یک انقلاب فناوری اطلاعاتی پدیدار شد و برای اولین بار در شهر ناتینگام توسط یک بانک خصوصی مسکن خدمات

بانکی کامپیوتری فراهم آمد و سپس در امریکا به طور سریع این خدمات بانکی کامپیوتری گسترش پیدا کرد. شرکت‌های AT&T و IBM و BT و بسیاری دیگر در اروپا، امریکا و ژاپن به توسعه کالاهایی که به آسانی بتواند استفاده از فناوری اطلاعات را فراهم کند روی آوردند. اندک اندک ماشین تحریر از کار افتاد و ما وارد مرحله جدید ارتباطات شدیم. در این فرایند سریع، دولتها نقش تعیین کننده‌ای داشتند برخی از دولتها سریع اقدام کردند و با توسعه فناوری اطلاعات، به اقتصاد کشورشان کمک کردند برخی دیگر متوجه شدند که تکنولوژی ارتباطات نقش مهمی در فرایند پدیده جدید جهانی شدن دارد. در این رابطه دولتهای اروپای غربی برای رهایی از بن‌بست اقتصادی به بازار آزاد و تقویت بخش خصوصی و تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری روی آوردند که زمینه ساز فرایند جهانی شدن بود.

نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که با پدیدار شدن فناوری اطلاعات، اقتصاد جدیدی بوجود آمد که خود به طبقات جدیدی از کارکنان نیاز داشت که بتدریج شکل سنتی جوامع را دگرگون کرد. برای توضیح بیشتر باید به مرور این فرایند پردازیم.

در آغاز قرن بیستم با مکانیزه شدن کشاورزی، تراکتورها تولید کار کارگران کشاورزی را چند برابر کرد. همین‌طور در اواخر قرن بیستم با توسعه جامعه اطلاعاتی، تولیدات اقتصادی از طریق کاربرد رایانه چندین برابر افزایش یافت. همان‌طور که ماشین بخار موجب افزایش قدرت بازوی کارگر شد، رایانه هم موجب افزایش تفکر و کاربرد اندیشه در تولید گردید. با این تفاوت که کاربرد اطلاعات براساس میکروالکترونیک تأثیر شگرفی بر اقتصاد گذاشت و مطابق نظر پیشگویان و آینده نگران شکل و مسیر زندگی در حال تغییر و دگرگونی است. قرن بیستم به‌طور سریع تفکر سنتی تولید را با کمک فناوری اطلاعات دگرگون ساخت. همان‌طور که شاهد بودیم، بعد از جنگ جهانی دوم شیوه زندگی روزبه‌روز تغییر کرد. شهرها گسترش یافت. شغل‌های جدیدی به‌وجود آمد. روستاها کم شدند و شهرک‌های صنعتی پدید آمدند و بخش عظیمی از اقتصاد تولید تبدیل به اقتصاد خدمات شد. طبقه‌بندی جدیدی به شغل‌های موجود اضافه شد مانند تلفنچی، کاربران رایانه و کافی‌نتها، تعمیر کار رایانه، برنامه‌ریز نرم افزار و سخت افزار و بسیاری دیگر از شغل‌های مربوط به خدمات رایانه‌ای.

به تدریج تقاضای اطلاعات در بخش تکنولوژی اطلاعاتی مضاعف شد. این تغییر و افزایش تقاضا چنان فزونی یافت که می‌توان گفت تکنولوژی جلوتر از مردم و نیاز آنها بود. اکنون ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مجبوریم همه ضوابط و روابط خود را با خودمان و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم و همین‌طور با فضای پیرامون خود دوباره تعریف کنیم. یعنی در جهان ارتباطی پیرامونمان، نیازمندیم مفاهیم و مقولات سنتی که از گذشته به ما رسیده و به آنها عادت کرده‌ایم را تجدیدنظر و تعریف کنیم. به قول کارل مارکس تحول در تکنولوژی عامل مهم تغییر در قدرت و

روابط آن با جامعه است. همانطور که آسیاب دستی رابطه جامعه و اربابان فتودال را تعیین می‌کرد، آسیاب بخار تعیین کننده جامعه سرمایه‌داری و صنعتی شد ولی اکنون نمی‌دانیم قدرت رایانه‌ای و کاربرد آن چه رابطه‌ای بین ما و اربابان قدرت در جامعه دارد. یعنی در اواخر قرن بیستم با توسعه روز افزون جامعه اطلاعاتی و تغییر رابطه قدرت و نظارت بر جامعه، آینده ما چگونه خواهد بود؟

چالش بزرگ ما با جامعه اطلاعاتی چیست؟ به نظر می‌رسد عدم آگاهی کافی یکی از مهمترین چالشهای ما برای درک جامعه اطلاعاتی است. اگر کاربرد صحیح فناوری اطلاعات را در آموزش به کار گیریم نظام سنتی آموزش و پرورش باید دگرگون شود و شغل‌های جدیدی در ارتباط با کاربرد رایانه باید به وجود آید. اگر جوامع سنتی که با نوگرایی پیوسته در ستیزند در پذیرفتن آن مقاومت نشان می‌دهند، جامعه اطلاعاتی به طور یقین بیگانگی و فردگرایی را در جامعه توسعه خواهد داد. البته در آن شرایط با جوامع سنتی در تضاد خواهد بود.

در جامعه اطلاعاتی، نظام سنتی اداری دگرگون خواهد شد. ساعات کار از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر و رفت و آمد از منزل به محل کار تغییر خواهد کرد. به طور خلاصه وضع فعلی زندگی یعنی ۸ ساعت خواب ۸ ساعت کار و ۸ ساعت در ترافیک، شهر را عوض خواهد کرد. نظریه قدرت در رابطه با طبقات اجتماعی با پیدایش کارکنان و کاربران رایانه‌ای تغییر خواهد کرد. بخش جدیدی در اقتصاد به وجود آمده است که آن را کارکنان اطلاعاتی و بخش اطلاعاتی اقتصاد جامعه می‌دانند.

در حال حاضر اغلب کشورهای اروپایی مانند انگلیس، فرانسه، آلمان و کشورهای اسکانداویا از نظر ساختار شغلی در این فرایند قرار دارند و بخش اطلاعات در برنامه‌های اقتصادی آنها روزبه‌روز رو به گسترش است. کاربرد فناوری اطلاعات در کشورهای پیشرفته پایه و منبع اصلی رشد اقتصادی آنها به شمار می‌رود. افزایش فناوری اطلاعات از راه دور، قدرت و نفوذ این کشورها را افزایش می‌دهد. امروزه در کشور انگلیس ۶۵ درصد از کارکنان در بخش اطلاعات و رشته‌های وابسته به آن مشغول کارند. این فناوری اطلاعات در کشورهای پیشرفته منجر به پدیدار شدن طبقه جدیدی از کاربران رایانه‌ای شده است. بنا به تحلیل مارکس ماشین بخار زمینه‌ساز طبقه سرمایه‌دار در جامعه شد. حال باید پرسید رایانه یا فناوری اطلاعات چه نوع طبقه‌ای را در جامعه به وجود می‌آورد. جامعه کشاورزی زمینه‌ساز جامعه صنعتی و سرمایه‌داری شد. باید دید سرمایه که موجب پدید آمدن تکنولوژی جدید شده است، می‌تواند قوانین قدرت را عوض کند. این یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه اطلاعاتی است. *دانیل بل Daniel Bell* جامعه شناس امریکایی می‌گوید جامعه اطلاعاتی می‌تواند بدیل نگرش مارکس نسبت به جامعه سرمایه‌داری باشد. در این مورد بدیل را می‌توان به سه گونه تعریف کرد.

نخست، تکنولوژی جدید می‌تواند جامعه بدون طبقه به وجود آورد و از طریق انقلاب اجتماعی تحلیل طبقاتی مارکس را رد کند. دوم، فناوری اطلاعات قادر است قدرت سرمایه‌داری جهان و طبقات سرمایه‌دار را افزایش دهد. در واقع وسیله‌ای است برای نظارت بر کل جهان یعنی تمرکز بر قدرت سرمایه‌داری که مارکس همیشه بر آن تأکید کرده است.

و سوم این که گفته‌های مارکس کاملاً قدیمی شده و تحلیل او دیگر کاربرد ندارد. چون مقوله طبقه دیگر بی‌معنی است.

از اینکه بگذریم امروزه پدیده تکنولوژی جدید، تعادل قدرت جهانی را به هم زده است و یک جنبش جدید اجتماعی در حال شکل‌گیری است برخی را عقیده بر این است که جامعه اطلاعاتی پدید آورنده ارتباطات جدید اجتماعی است که به تدریج جای ارتباطات سنتی را خواهد گرفت. سرمایه‌داری سنتی و سوسیالیسم با فرا رسیدن جامعه اطلاعاتی محکوم به فنا هستند چون با توسعه شبکه‌های ارتباطی و تغییر در سنت مشارکت مسأله «طبقه» مفهوم بی‌مسمایی خواهد بود. اکنون، ژاپنیها برخلاف امریکاییها به صورت گروهی غیرمتمرکز تصمیم‌گیری می‌کنند. به دنبال فناوری ارتباطات، رابطه طبقات در جوامع کاملاً به هم خورده است و جامعه اطلاعاتی موجب آزادی عمل و اقتدار فردی کارکنان شده است.

امروزه با تأسیس کارخانه‌های مونتاژ، رشد مساوی در کار فراهم شده است. در کشورهای اروپای غربی در اوائل دهه ۱۹۸۰ گذار جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی پیام‌آور تساوی و تعادل در کار است زیرا فناوری اطلاعات وسیله‌ای است که زندگی آدمی را به طرف تساوی و عدالت سوق می‌دهد و خلاصه موضوع طبقه دیگر مطرح نیست. برخی معتقدند که جامعه اطلاعاتی تأییدکننده طبقات در جامعه است. تکنولوژی ارتباطات نقش مؤثری در جوامع سرمایه‌داری دارد و به عبارتی انقلاب میکرو پروسسو (Microprocessor) بخشی از فرایند کوشش سرمایه‌داری در ادامه سلطه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه است. همانطور که کوشش مارکسیستها بر ملاء کردن منافع طبقات جامعه است به عبارت دیگر می‌توان گفت مارکسیسم یک نظریه جوامع تکنولوژی مدار است چرا که طبیعت به وسیله انسان مهار می‌شود. طبیعت به تنهایی نمی‌تواند ماشین بسازند. آنچه در جامعه وجود دارد محصول دست بشر جامعه صنعتی است. اگر با دقت بنگریم به قول مارکس اختراعات بشر از سالهای ۱۸۳۰ به بعد، بوجود آورنده سرمایه و ابزار جنگی علیه شورشهای طبقه کارگر بوده است.

تولید ماشین و خط تولید صنعتی نیازمند مدیریت علمی و رباطهای اتوماتیک است و همه اینها مبین منافع طبقاتی جامعه هستند و به عبارت ساده‌تر جامعه اطلاعاتی دنباله‌رو جامعه صنعتی است و تأیید و تعیین کننده همان روابط طبقاتی در جامعه. با این تفاوت که مقوله فرهنگ برجسته‌تر خواهد شد و نظارت بر فرهنگ مهمترین نقش را در جامعه اطلاعاتی خواهد داشت. اکنون این سؤال مطرح است که

رایانه چه معنا و مفهومی برای طبقه اجتماعی در جهان امروزی دارد؟ اکثر افراد معتقد به نظریه مارکس می‌گویند چیزی تغییر نکرده، همان شراب است فقط بطری آن عوض شده است. یعنی این طور به نظر می‌رسد که جامعه تسهیلات بی‌طبقه شدن به وسیله فناوری اطلاعات را فراهم کرده و فرصتهای جدیدی را ایجاد کرده است و بیشتر با شکستن فاصله طبقات اجتماعی در مدت زمان کوتاه‌تری فناوری اطلاعات تناقضها و تضادهای سرمایه‌داری را برملاء می‌کند. فناوری اطلاعات به مدد سرمایه در حال نفوذ و یافتن زمینه جهانی در تمام ابعاد، و محکم کردن و محدود نمودن نیروی تولید و کار جهت استثمار بیشتر است. به مدد فناوری اطلاعات، امکان سلطه و نفوذ خیلی آسان‌تر شده است. تکنولوژی جدید مهارتهای جدید و امکانات شغلی دیگری به وجود آورده است. زندگی در جامعه اطلاعاتی تصویر مشخصی را به ما می‌دهد که به ترتیب می‌شود توضیح داد: خط مونتاژ؛ تولید توسط ماشینهای روبات یا تصویر افرادی که مشغول استفاده از رایانه در اداره‌های مدرن هستند و یا کارخانه‌های تولید سیلیکان (Silicon) که مشغول ساختن میکروچیپ جدید هستند. آیا این تکنولوژی می‌تواند زمینه‌ساز دموکراسی شود؟ آیا می‌شود مانند صنعت چاپ انحصار تکنولوژی الکترونیک را از دولت گرفت و آن را در فرایند دموکراسی به کار گرفت؟ چگونه می‌شود حریم خصوصی را در برابر آزادی اطلاعات مصون نگه داشت و یا چگونه می‌شود افراد را از نفوذ چشم الکترونیک دور کرد؟ اینها نشانی از جامعه اطلاعاتی است که در آینده با آن روبه‌رو هستیم و هنوز نمی‌شود اطمینان کرد که جامعه اطلاعاتی، فنون دست‌آموزی را برای اربابان قدرت افزایش می‌دهد یا آن‌که موجب گسترش دموکراسی و آزادیهای فردی و حرفه‌ای بیشتر در دنیا می‌شود. اینها پرسش‌هایی است که آینده به آنها پاسخ خواهد گفت. □

منابع:

- Latouch, Serge (1996) *the Westernization of the World*, Cambridge, Polity Press.
- Mohammadi, Ali, ed. (1997) *International Communication and Globalization*, London, Sage.
- Mohammadi, Ali and Ahsan, Muhammad, (2002) *globalization or recolonization? (The Muslim world in the 21<sup>st</sup> Century)*.
- Lyon, David (1994) *the Electronic Eye (The Rise of Surveillance society)* Minneapolis, the University of Minnesota Press.
- Lyon, David (1988) *the information society (Issues and Illusions)* Cambridge, Polity Press.